مجموعه احادیث

(1)

**جمع‌آوری:**

**دکتر احمد سیاد**

**ترجمه و شرح:**

**عبدالله ریگی احمدی**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | مجموعه احادیث (1) |
| **تألیف:**  | دکتر احمد سیاد |
| **ترجمه و شرح:** | عبدالله ریگی احمدی |
| **موضوع:** | احادیث نبوی |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | اردیبهشت (ثور) ۱۳۹۵- شعبان ۱۴۳۷ |
| **منبع:**  |  |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[حدیث اول: 1](#_Toc423608266)

[هیچ معبود به حقی، جز خدا وجود ندارد 1](#_Toc423608267)

[حدیث دوم 2](#_Toc423608268)

[حدیث سوم 2](#_Toc423608269)

[حدیث چهارم 3](#_Toc423608270)

[حدیث پنجم 4](#_Toc423608271)

[حدیث ششم 5](#_Toc423608272)

[حدیث هفتم 6](#_Toc423608273)

[حدیث هشتم 7](#_Toc423608274)

[حدیث نهم 8](#_Toc423608275)

[حدیث دهم 9](#_Toc423608276)

[حدیث یازدهم 10](#_Toc423608277)

[حدیث دوازدهم 11](#_Toc423608278)

[حدیث سیزدهم 12](#_Toc423608279)

[حدیث چهاردهم 13](#_Toc423608280)

[حدیث پانزدهم 14](#_Toc423608281)

[حدیث شانزدهم 14](#_Toc423608282)

[حدیث هفدهم 15](#_Toc423608283)

[حدیث هجدهم 16](#_Toc423608284)

[حدیث نوزدهم 17](#_Toc423608285)

[حدیث بیستم 19](#_Toc423608286)

[حدیث بیست و یکم 19](#_Toc423608287)

[حدیث بیست و دوم 20](#_Toc423608288)

[حدیث بیست و سوم 21](#_Toc423608289)

[حدیث بیست و چهارم 22](#_Toc423608290)

[حدیث بیست و پنجم 23](#_Toc423608291)

[حدیث بیست و ششم 24](#_Toc423608292)

[حدیث بیست و هفتم 25](#_Toc423608293)

[حدیث بیست و هشتم 26](#_Toc423608294)

[حدیث بیست و نهم 27](#_Toc423608295)

[حدیث سی‌ام 28](#_Toc423608296)

[حدیث سی و یک 29](#_Toc423608297)

[حدیث سی و دوم 30](#_Toc423608298)

[حدیث سی و سوم 31](#_Toc423608299)

[حدیث سی و چهارم 32](#_Toc423608300)

[حدیث سی و پنجم 33](#_Toc423608301)

[حدیث سی و ششم 34](#_Toc423608302)

[حدیث سی و هفتم 35](#_Toc423608303)

[حدیث سی و هشتم 36](#_Toc423608304)

[حديث سی و نهم 37](#_Toc423608305)

[حدیث چهلم 37](#_Toc423608306)

[حدیث چهل و یکم 39](#_Toc423608307)

[حدیث چهل و دوم 40](#_Toc423608308)

[حدیث چهل و سوم 40](#_Toc423608309)

[حدیث چهل و چهارم 41](#_Toc423608310)

[حدیث چهل و پنجم 42](#_Toc423608311)

[حدیث چهل و ششم 43](#_Toc423608312)

[حدیث چهل و هفتم 44](#_Toc423608313)

[حدیث چهل و هشتم 45](#_Toc423608314)

[حدیث چهل و نهم 46](#_Toc423608315)

[حدیث پنجاهم 47](#_Toc423608316)

حدیث اول:

1. عن عتبان بن مالکس قال قال رسول الله ج: «فإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ يَبْتَغِى بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ» [صحیح بخاری].

ترجمه: عتبان بن مالکس از پیامبر خدا ج روایت می‌کند که فرمود: همانا خداوند آتش دوزخ را بر کسی که کلمه «لا إله إلا الله» را به خاطر خشنودی خدا بر زبان بیاورد، حرام ساخته است.

توضیح

لا إله الا الله، نفی معبودان باطل و اقرار به یگانگی حق تعالی برای پرستش و بزرگترین ذکر خدا به شمار می‌رود.

هیچ معبود به حقی، جز خدا وجود ندارد

هرکس با نیتی صادق، این کلمات را بر زبان بیاورد، وارد اسلام شده، مسلمان نامیده می‌شود. او قبلاً کافر بود اکنون مسلمان است. قبلاً دشمن خدا بود؛ ولی اکنون حبیب خدا گشته است. هیچ کلمه‌ای در ترازوی حسنات انسان، از کلمه لا إله الا الله سنگین‌تر نخواهد بود.

تمامی پیامبران الله، کلمه لا إله الا الله را به عنوان اولین پیام آسمانی برای امت‌های خویش به ارمغان آورده، چنین گفته‌اند: «قُولُوا: لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ تُفْلِحُوا» (لا إله الا الله بگویید تا رستگار شوید) یقیناً رستگاری سایر انسان‌ها و جن‌ها در هردو جهان، مرهون کلمه است.

بنابراين خداوند آتش دوزخ را بر كسی كه از صدق دل، آن را به زبان بياورد، حرام قرار داده است.

حدیث دوم

1. عن أبی هریرةس أن رسول الله ج قال: «مَنْ سَلَكَ طَرِيقاً يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْماً سَهَّلَ الله لَهُ طَرِيقاً إِلَى الجَنَّةِ» [صحیح مسلم].

ترجمه: أبو هریرهس از پیامبر ج نقل می‌کند که فرمود: کسی که راهی جهت فراگیری علم در پیش گیرد، خداوند برایش راهی به سوی بهشت هموار می‌سازد.

توضیح

علم، چراغ روشنی است که انسان در پرتو آن خود را و هم‌چنین خدای خویش را خواهد شناخت؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخۡشَى ٱللَّهَ مِنۡ عِبَادِهِ ٱلۡعُلَمَٰٓؤُاْۗ﴾ [فاطر: 28] «از میان بندگان، عالمان از خدا می‌ترسند».

حدیث سوم

1. عن معاويةس قال سمعت النبی ج یقول: «مَنْ يُرِدِ الله بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ» [متفق علیه].

ترجمه: از معاویهس روایت است که رسول اکرم ج فرمود: هرکسی که خداوند برایش خیری بخواهد، فهم و دانش دین نصیبش می‌کند.

توضیح

این حدیث بیانگر بزرگترین فضایل نسبت به علم و علما می‌باشد. علم نافع نشان سعادت انسان در دنیا و آخرت است. و کسانی که از علم دین بهرمند شده‌اند، خداوند برای آنان خیر بزرگی در نظر گرفته است.

مراد از فقه دین، دانستن اصول ایمان و عبادت و احکام است. طبیعی است که هیچ نعمتی از داشتن علم دین بالاتر نیست. عالم دین در واقع بزرگترین سرمایه و بیشترین گنجینه‌های جهان را در اختیار دارد؛ ولی نباید فراموش کرد که ارزش علم در عمل و ارزش عمل در اخلاص نهفته است. علما باید توجه داشته باشند که مردم چشم به آنها دوخته‌اند و آنان را انسان‌هایی برگزیده و جانشینان پیامبر ج می‌دانند؛ پس می‌طلبد که علما در گفتار و رفتار برای دیگران الگو باشند.

حدیث چهارم

1. عن أبی موسیس أن النبی ج قال: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ» [متفق علیه].

ترجمه: ابو موسی اشعریس ارشاد رسول خدا ج را نقل می‌کند که فرمود: انسان در قیامت با کسی حشر می‌گردد که با او محبت داشته است.

توضیح

انسان با هرکسی همنشین باشد، کم کم با او صمیمی شده و از او تأثیر می‌پذیرد. اگر با انسان‌های ناباب آمد و شد داشته و با آنان دوستی نماید، طبعاً از آنها به حساب می‌آید. همان‌طور که اگر با نیکان و انسان‌های شایسته سر و کار داشته و مجالست کند، از زمره آنان به حساب می‌رود.

بدون تردید همنشینی، نقش سرنوشت‌سازی دارد، به همین سبب خداوند دستور داده با راستگویان و انسان‌های نیک خصلت بنشینیم، تا راستگویی و صلاح آنان در ما اثر نماید.

یکی از خصوصیات رسول اکرم ج این بود که با مساکین و مستضعفان می‌نشست و احوال آنان را جویا می‌شد و پیروانش را نیز به مجالست و هم‌نشینی با مستمندان و مساکین امر می‌کرد؛ زیرا هم‌نشینی با مستضعفان ضمن دلجویی آنان، به انسان درس تواضع و فروتنی می‌آموزد؛ چنان‌که از هم‌نشینی با مستکبران و زورگویان، در انسان احساس کبر و غرور به وجود می‌آید.

چه بسا انسان‌های سالم که در اثر رفاقت و هم‌نشینی با دوستان ناباب گرفتار اعتیاد شده و یا سرشان بالای دار رفته است. از این‌رو رسول خدا ج فرمود: انسان با هرکسی که محبت داشته باشد، روز قیامت با او در کنار او، حشر می‌شود.

حدیث پنجم

1. عن أنس بن مالكس قال: قال: رسول الله ج: «الصَّبْرُ عِنْدَ الصَّدْمَةِالأُولَى» [متفق علیه].

ترجمه: از انسس روایت است که رسول اکرم ج فرمود: صبر و شکیبایی در اول مصیبت شایسته است.

توضیح

صبر و شکیبایی از صفات انبیا است. خداوند پشتیبان صابران است و آنان را دوست می‌دارد.

انسان مؤمن هرگاه نعمتی بدست می‌آورد، باید شکر خدا را به جای آورد و هرگاه دچار مصیبتی می‌شود، بر خدا توکل نموده، صبر را پیشه سازد. هر خیر و شر از جانب الله فیصله می‌شود. زندگی بلندی و پستی دارد. روزی انسان را شاد و دارای نعمت می‌بینی و روزی دیگر او را غمگین و بی‌بضاعت می‌یابی. بنابراین انسان باید همواره خود را برای استقبال از هرنوع احتمالی آماده کند.

خداوندﻷ می‌فرماید: «ما شما را بوسیله انواع مصیبت‌ها؛ از قبیل: ترس، گرسنگی و نقصان مالی و جانی آزمایش می‌کنیم، و مژده باد صابران را، آنانی‌که هنگام مصیبت، می‌گویند:

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ ١٥٦﴾ [البقرة: 156].

«ما از خداییم و به سوی او بازخواهیم گشت».

و صبر همان به که در اول مصیبت باشد.

حدیث ششم

1. عن أبي هريرةس أن رسول الله ج قال: «فِي كُلِّ كَبِدٍ رَطْبَةٍ أَجْرٌ» [متفق علیه].

ترجمه: از ابوهریره‌س روایت است که رسول الله ج فرمود: در (خدمت به) هر موجود زنده، پاداشی (مقرر) است.

توضیح

اسلام به رعایت حقوق و ترحم بر مخلوقات تأکید ورزیده است. حقوق همه موجودات اعم از انسان، حیوان و حتی درختان در نظر گرفته شده است.

پیامبر اسلام ج در مورد تغذیه شتران و ترحم بر آنان توصیه نموده است. هم‌چنین فرموده است: هنگام ذبح کردن حیوان کارد را تیز نمایید تا حیوان متحمل رنج بیشتری نشود.

در روایتی فرموده است: زنی پرهیزگار به خاطر بستن گربه‌ای و جان دادن آن در اثر گرسنگی و تشنگی، به دوزخ رفت.

و در جایی می‌فرماید: شخص بدکاری به خاطر آب دادن به سگ تشنه‌ای، مورد مغفرت قرار گرفت.

هم‌ چنین رسول خدا ج اصحاب را از قطع نمودن درختان دشمن در جهاد منع می‌کرد.

از آن‌چه در مورد حقوق حیوانات و درختان نقل شد، به خوبی جایگاه انسان و خصوصاً انسان مسلمان در دین مبین اسلام روشن می‌شود؛ از این رو لازم است که انسان مسلمان نسبت به سایر انسان‌ها ترحم داشته باشد؛ حتی به حیوانات و سایر جانداران غیرموذی ترحم نموده از ايذاي آنها پرهيز كند؛ البته حيوانات موذي از قبيل مار و عقرب را باید بدون شکنجه و تعذیب از بین برد.

لازم به یادآوری است که نگهداری و گرامی داشتن سگ و خوک آن‌طور که امروز در اروپا و کشورهای به اصطلاح متمدن رواج دارد، از نظر اسلام شدیداً نکوهش شده است.

حدیث هفتم

1. عن حذيفةس عن النبي ج قال: «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ» [متفق علیه].

ترجمه: حذیفهس از پیامبر خدا ج نقل می‌کند که فرمود: هر کار خیر صدقه محسوب می‌شود.

توضیح

برخی می‌پندارند که صدقه کردن فقط با کمک مالی به شخص مستمند، میسر است. در این حدیث، رسول خدا ج این سوءتفاهم را برطرف می‌سازد و میدان صدقه را وسیع‌تر می‌نماید.

رسول خدا ج هر کار نیک و شایسته‌ای را که برای رضای خدا انجام گیرد، جزو صدقه به حساب می‌آورد، فرق نمی‌کند که در آن، مالی انفاق شود یا خیر؛ به عنوان مثال: امر به معروف و نهی از منکر نوعی صدقه و ایجاد صلح و آشتی میان مردم نوعی صدقه است. بار سنگین کسی را جابه جا کردن نیز صدقه است.

در حدیثی رسول خدا ج فرمود: مردی به خاطر این‌که شاخه خارداری را از سر راه مردم برداشت، مورد مغفرت خداوندﻷ قرار گرفت. و شخص دیگری به خاطر آسان‌گیری و مهلت دادن به بدهکاران، بخشیده شد؛ پس انجام هر کار خیر، توفیقی است از جانب خداوندﻷ و برای شخص، صدقه محسوب می‌شود.

حدیث هشتم

1. عن ابن عمرب قال: قال رسول الله ج: «كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ، وكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَام» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابن عمرب از رسول اکرم ج نقل می‌کند که فرمود: هرچیز مست‌کننده (در حکم) شراب است و هر شراب حرام می‌باشد.

توضیح

عقل و توانایی ملاک تکلیف در اسلام هستند و هر آنچیزی که کوچک‌ترین لطمه‌ای بر این دو نیروی انسانی وارد سازد، از دیدگاه شریعت اسلام حرام و منفور است.

قرآن شراب را چیزی، زشت و پلید می‌داند و مسلمانان را به شدت از استفاده آن، بر حذر می‌دارد؛ زیرا تجربه ثابت کرده که آشامیدن شراب، به تدریج عقل و خرد انسان را تحت تأثیر قرار داده و از بین می‌برد.

چه بسا شرابخوارانی که پس از نوشیدن شراب، مادر و خواهر خویش را نیز به چشم بیگانه می‌بینند!

هم‌چنین انواع مواد مخدر و دخانیات نیز در حکم شراب می‌باشند و خرید و فروش و استعمال آنها حرام و ناجایز است.

معروف است می‌گویند: فروش مواد مخدر اشکالی ندارد؛ بلکه استفاده و خوردن یا کشیدن آن ناجایز است! باید گفت که این نوعی تلبیس ابلیس است و بهانه‌ای بیش نیست. چگونه فروش کالایی که صد در صد برای جان و ایمان انسان‌ها مضر است، جایز خواهد بود؟ مگر این ‌همه اعتیاد، خونریزی، گروگان‌گیری و ... در اثر فروش همین دیو پلید نیست؟ استفاده و فروش سیگار، ناس و تنباکو نیز همین حکم را دارد، والله علم.

حدیث نهم

1. عن حذيفةس قال قال: رسول الله ج: «لا يَدْخُلُ الجَنَّةَ نَمَّامٌ» [صحیح مسلم].

ترجمه: حذیفهس ارشاد رسول اکرم ج را نقل می‌کند که فرمود: سخن‌چین وارد بهشت نخواهد شد.

توضیح

سخن‌چینی و تجسس کار شیاطین است. کسانی که دست به چنین اعمالی می‌زنند، در واقع معاونین و همکاران شیطان محسوب می‌شوند. سخن‌چین، آتش بیار معرکه است. سعی می‌کند با نقل سخنان این و آن، بساط جنگ و کینه و خونریزی، راه بیندازد و خود تماشاگر جریان باشد.

سخن‌چینی و دو رنگی نوعی بیماری است که بیماران مبتلا به آن، پس از انجام عمل خویش تشفی حاصل می‌کنند.

مسلمان باید خیرخواه، دلسوز و صلح‌جو باشد. و به عبارتی آتش نشان باشد نه آتش افروز.

بهترین راه برای جلوگیری از این عمل آن است که هرگاه کسی برای شما از دیگران سخن بدی نقل کرد، به جای تقدیر و تشکر، جلوی او را بگیرید و نصیحتش نمایید.

رسول خدا ج، از کنار قبری گذر نمود و فرمود: صاحب این قبر به خاطر سخن‌چینی عذاب می‌بیند.

حدیث دهم

1. عن جبير بن مطعمس أن رسول الله ج قال: «لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَحِمٍ» [صحیح مسلم].

ترجمه: از حبیر مطعمس روایت است که پیامبر ج فرمود: کسی که با خویشاوندان قطع رابطه کند، وارد بهشت نخواهد شد.

توضیح

اسلام در مورد محبت، برادری و صله‌ی رحم تأکید فراوانی نموده است. صله رحمی با خویشاوندان فرض است. انسان باید همواره احوال خویشاوندان خود را جویا باشد، به آنان سر بزند و در شادی و غم ایشان شریک بشود؛ چراکه صله‌ی رحم باعث شادی روان، فراخی رزق و افزایش عمر می‌گردد.

امروز متأسفانه با پیشرفت بشر در زمینه مادیات، معنویات از جمله صله رحم از بین رفته است، متأسفانه با وجود تأکیدات فراوان شرع مبین اسلام، در جوامع اسلامی نیز به این مسئله اهمیت داده نمی‌شود.

در کشورهای غربی، رابطه خویشاوندی بسیار کم‌رنگ شده است، حتی بستگان درجه یک، با یکدیگر هم‌چون بیگانگان برخورد می‌نمایند. و پس از این‌که پدر و مادر به سن کهولت می‌رسند، آنها را تحویل آسایشگاه‌ها می‌دهند و دیگر به آنان سر نمی‌زنند. چه خوب بود مسلمانان در این‌گونه مسایل از غرب پیروی نمی‌کردند، بلکه طبق دستور خدا و پیامبر، برای بقا و احیای این‌گونه سنت‌های حسنه سعی می‌نمودند.

حدیث یازدهم

1. عن عائشة رضي الله عنها عن النبي ج: «أَبْغَضُ الرِّجَالِ إِلَى اللَّهِ الأَلَدُّ الْخَصِمُ» [متفق علیه].

ترجمه: عایشهل روایت می‌کند که رسول خدا ج فرمود: مبغوض‌ترین انسان نزد خدا، ستیزه‌جوی لجوج است.

توضيح

انصاف، فروتنی و گذشت از جمله صفات برگزیده‌ای می‌باشند که خداوند آنها را دوست می‌دارد، و ظلم، کینه‌توزی و خشونت صفات ناپسندیده‌ای هستند که شخص دارای این صفات نزد خداوند‌ﻷ منفور است.

رسول خدا ج فرمود: کسی که ستیز و جدل را رها کند در حالی‌که حق با او است، خداوندﻷ برایش کاخی در بهشت خواهد ساخت.

هم‌چنین نقل است که: خداوندﻷ به کسی که با وجود توانایی، گذشت کند و انتقام نگیرد، روز قیامت خواهد گفت: از میان حوران بهشتی به دلخواه خود انتخاب کن.

برخی از مردم، گویی برای خصومت و جدال آفریده شده‌اند. هر روز با یکی گلاویز می‌شوند، با همسایه و شریک خود دایم مجادله می‌کنند. جز برخورد بی‌رحمانه و خشونت‌آمیز، عاید دیگری ندارند. اگر برادر مسلمانی نزد آنان دچار مشکلی بشود، دوست ندارند آن‌را به راحتی حل کنند. رسول خدا ج فرمود: نرمی و عطوفت، کارها را زیبا و تندی و خشونت کارها را زشت می‌نماید.

حدیث دوازدهم

1. عن جابر بن عبد اللهس قال: سمعت رسول الله ج يقول: «بَينَ الرَّجُلِ وَ بَينَ الشَّركِ وَ الكُفرِ تَركُ الصَّلاَةِ» [صحیح مسلم].

ترجمه: جابرس می‌گوید: از رسول خدا ج شنیدم که فرمود: مرز میان انسان و شرک و کفر، نماز است.

توضیح

نماز یکی از پایه‌های مهم دین اسلام است. انسان مسلمان به وسیله نماز، روزانه پنج بار با خدای خویش ملاقات نموده و با او مناجات و تجدید عهد می‌نماید. نماز به روح انسان آرامش می‌بخشد و قلب را شستشو می‌دهد. ترک نماز بدون عذر گناه بزرگی می‌باشد.

با توجه به اهمیت نماز، باید در خواندن و ادای آن بسیار دقت کرد. اعتدال و حفظ آرامش از شرایط نماز می‌باشند و سرعت عمل و شتاب در ادای ارکان نماز، مانع خشوع و خضوع گشته، میزان مقبولیت نماز را پایین می‌آورد. از رسول خدا ج منقول است که فرمود: هرکس به مسجد، آمد و شد دارد، گواه باشید که او مسلمان است. از مفهوم مخالف حدیث چنین به نظر می‌رسد که، نباید برای کسی که به مسجد رفت و آمد ندارد، گواهی داد که مسلمان است. به هر حال خواندن نماز، نشانه ایمان و نخواندن آن، نشانه عدم ایمان است.

حدیث سیزدهم

1. عن أبي سعيد الخدري‌س أن نبي ج قال: «إن مِنْ أعْظَمِ الجِهادِ كَلِمَةَ عَدْلٍ عِنْدَ سُلْطانٍ جائِرٍ» [سنن ترمذی].

ترجمه:از ابو سعید خدریس روایت است که رسول خدا ج فرمود: بالاترین نوع جهاد، گفتن سخن حق در برابر پادشاه ستمگر است.

توضیح

مردان خدا همیشه جان بر کف و آماده‌اند تا در نبرد حق علیه باطل، جان، مال و همه چیز خود را برای خدا و در راه خدا فدا کنند.

جهاد و مبارزه برای سربلندی اسلام امری است ضروری؛ زیرا که انسان‌های قلدر و ستمگر همواره در تلاش‌اند که بندگان خدا را از بندگی خدا به بندگی خود بکشانند، اموال‌شان را تاراج کنند و آبرو و حیثیت آنان را به یغما ببرند.

بنابراین در طول تاریخ بشر، همواره انسان‌های مجاهد و آزاده‌ای علیه زورگویان و ستمگران برخاسته، پرچم عدل و انصاف و حق‌پرستی را بر فراز قله‌های جهان برافراشته‌اند.

از آنجا که بزرگترین ظلم، شرک به خداوند است، یقیناً بزرگ‌ترین انصاف توحید است، که پیام‌آوران الهی حامل آن بوده‌اند. کلمه جهاد بر هر کوشش مخلصانه‌ای که برای پیشرفت دین خدا انجام گیرد، اطلاق می‌شود، که مهم‌ترین آنها گفتن سخن حق در برابر حاکم ستمگر است.

حدیث چهاردهم

1. عن أبي هريرةس قال قال رسول الله ج: «مَنْ نَفَّسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا نَفَّسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ» [متفق علیه].

ترجمه: ابوهریرهس ارشاد رسول اکرم ج را نقل می‌کند که فرمود: هرکس مصیبتی از مصایب دنیا را از انسان مؤمنی برطرف نماید، خداوندﻷ در پاداش آن، مصیبتی از مصایب قیامت را از او برطرف خواهد کرد.

توضیح

مسلمان واقعی آن است که همواره به فکر دیگر برادران مسلمان خود باشد، نه این‌که همیشه برای خود بیندیشد و رفاه خود را در نظر داشته باشد.

کسی که در فکر حل نمودن مشکلات دیگران باشد، یقیناً خداوند به فکر حل مشکلات او خواهد بود. اگر برادر مسلمان خود را دیدی که دچار مصیبتی شده؛ به عنوان مثال: مقروض شده یا بیمار است، بیدرنگ به کمکش بشتاب؛ چنان‌که یکی از حکمت‌های خواندن نمازهای جماعت نیز همین است که مسلمانان از حال یکدیگر اطلاع یافته، به یکدیگر کمک نمایند.

امروز متأسفانه مادیات و زندگی ماشینی به گونه‌ای بر قلب و روان مردم مسلط شده است که هیچ‌کس جز برای خود و خانواده خویش نمی‌اندیشد. چه بسا مسلمانان مقروض، مصیبت‌زده و تهی دستی که کسی را نمی‌یابند تا مشکل خود را با آنان در میان بگذارند.

در حدیثی آمده است که: خداوند شخصی را فقط به خاطر این‌که دستور داده بود تا بدهکارانش فرصت بدهند، مورد عفو و بخشش قرار داد.

حدیث پانزدهم

1. عن عثمانس عن النبي ج قال: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ» [صحیح بخاری].

ترجمه: از عثمان بن عفانس روایت است که رسول اکرم ج فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن را فراگیرد و به دیگران تعلیم دهد.

توضیح

قرآن آخرین و بهترین پیام آسمانی است که به وسیله جبرئیل÷ بر محمد مصطفی ج نازل گردید. از آنجا که قرآن بهترین کتاب آسمانی و حامل آن، محمد ج، بهترین انسان روی زمین است، طبعاً کسانی که قرآن را فراگیرند و به دیگران بیاموزانند، آنها نیز بهترین انسان‌های زمان خویش محسوب می‌شوند.

در حدیثی آمده است که رسول خدا ج فرمود: روز قیامت به صاحب قرآن گفته می‌شود: تلاوت کن و بر درجه‌های بهشت، بالا رو، جایگاهت نزد آخرین آیه‌ای خواهد بود که تلاوت می‌کنی.‌

رسول خدا ج فرمود: در مقابل هر حرفی که از قرآن تلاوت شود، ده نیکی می‌رسد.

پس بر تک‌تک مسلمانان است که قرآن را فراگرفته، روزانه بخشی از آن را تلاوت کنند و در صورت امکان به دیگران نیز تعلیم دهند.

حدیث شانزدهم

1. عن عبد الله بن مسعودس قال قال رسول الله ج: «سِبَابُ الْمُسْلِمِ فِسْقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ» [متفق علیه].

ترجمه: از عبدالله بن مسعودس روایت است که پیامبر ج فرمود: دشنام دادن مسلمان فسق و جنگ با او کفر (محسوب) است.

توضیح

انسان مسلمان نزد خداوند جایگاه ویژه‌ای دارد. ارزش مسلمان به خاطر ایمانی که در قلب دارد، می‌باشد.

مؤمن دوست و ولی خداوند است. خداوند می‌فرماید: هرکس با دوست و ولی من دشمنی بورزد، خود را برای مبارزه با من آماده کند.

از این‌رو نباید مسلمان در پی آبروریزی و تحقیر برادر مسلمان خویش برآید و یا علیه او اسلحه به دست گیرد و بجنگد، بلکه باید مسلمانان از هر نژاد و رنگی که هستند، دست به دست هم داده، در کنار هم برای مبارزه علیه باطل و جهاد با کفار آماده شوند.

ما امروزه متأسفانه شاهد جنگ‌های داخلی فراوانی بین قبایل مختلف هستیم که هیچ‌کدام از آنها برای خدا و در راه خدا نیست، بلکه به خاطر حمایت از قوم و فامیل خویش است. این‌گونه جنگ‌ها از نظر اسلام، جاهلی است و منجر به کفر تلقی می‌شود.

اگر کسی جنگ با مسلمانان را حلال و جایز بداند، کفر کرده است، اما اگر حلال نداند، در این صورت کلمه کفر به معنی کفران نعمت و عدم توجه به اخوت اسلامی است. والله اعلم

حدیث هفدهم

1. عن عمر ابي أبي سلمةس قال: قال لي رسول الله ج: «يَا غُلاَم! سَمِّ اللهَ وَكُلْ بِيَمينِكَ وَ كُلْ مِمَّا يَليِكَ» [متفق علیه].

ترجمه: عمر بن ابی سلمهس می‌گوید، رسول اکرم ج خطاب به من چنین فرمود: ای پسرک! به نام خدا و با دست راست و از پیش خود غذا بخور.

توضیح

باید دانست که اسلام دینی است اجتماعی و منظم، که پیروانش را همواره به رعایت آداب در همه چیز امر نموده است.

در حدیث فوق، پیامبر خدا ج در کلماتی مختصر، مهم‌ترین آداب غذا خوردن را به امتش آموخت. بنابراین هنگام غذا خوردن باید دست‌ها تمیز باشد، بسم الله گفته شود، لقمه با دست راست برداشته شود. و اگر چند نفر در کنار هم غذا می‌خورند، ضمن رعایت حال یکدیگر، هر یک از پیش خود غذا بخورند، لقمه‌ها متوسط باشد و در اثنای خوردن غذا، حرکتی که باعث آزردگی خاطر همراهان بشود، انجام نگیرد.

هم‌چنین باید از پرخوری پرهیز نمود و شکم را به سه حصه تقسیم کرد: بخشی برای غذا، بخشی برای آب و بخشی برای تنفس. اگر واقعاً ما هنگام غذا خوردن موارد فوق را رعایت کنیم، هیچ‌گاه دچار بیماری‌های گوارشی نخواهیم شد.

حدیث هجدهم

1. عن أنس بن مالکس عن النبي ج قال: «يَسِّرُوا وَلاَ تُعَسِّرُوا، وَبَشِّرُوا وَلاَ تُنَفِّرُوا» [صحیح بخاری].

ترجمه: از انس بن مالکس روایت است که رسول اکرم ج فرمود: آسان بگیرید و سخت‌گیری نکنید، مژده دهید و بیزار نکنید.

توضیح

برخی می‌پندارند که اسلام دین خشونت و سخت‌گیری است، باید گفت که اگر قرار باشد انسان، آزاد از همه چیز و مطابق خواهش‌های نفسانی خویش زندگی را به سر کند، آن‌گاه درست است که اسلام سخت‌گیر است، زیرا محدودیت‌هایی در دین مبین اسلام، به خاطر جلب منفعت و دفع ضرر از انسان، وجود دارد که با خواهش‌های انسان‌ها کاملاً مطابقت ندارد.

اما اگر دین اسلام را در مقابل سایر ادیان و دیگر قوانین ساختگی قرار بدهیم، متوجه خواهیم شد که اسلام سراسر آزادی و آسانی و به دور از خشونت است. در حدیث آمده است که: شخصی نزد رسول خدا ج آمد و گفت: من به خاطر این‌که امام مسجد، قرائت نماز را طولانی می‌کند، نمی‌توانم در نماز جماعت شرکت کنم. رسول خدا ج اصحاب را در مسجد گرد آورد و به موعظه پرداخت و با عصبانیت گفت: چرا بعضی از شما، مردم را از عبادت خدا بیزار می‌کنید؟ و افزود: به هنگام امامت نماز، رعایت حال ضعیفان، حاجتمندان و مریضان را بکنید. پس می‌طلبد داعیان به سوی اسلام، با استفاده از حکمت و بصیرت، عموم مردم و خصوصاً قشر جوان را برای عمل نمودن به احکام اسلام تشویق و آماده سازند. و نباید با سخت‌گیری و حساسیت بی‌جا، عرصه را بر جوانان تنگ کرده، آنان را از دین و ایمان فراری دهند.

حدیث نوزدهم

1. عن أبي هريرةس قال: قال رسول الله ج: «يَمِينُكَ عَلَى مَا يُصَدِّقُكَ عَلَيْهِ صَاحِبُكَ» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابوهریرهس روایت می‌کند که رسول اکرم ج فرمود: سوگند تو بر آن چیزی خواهد بود که طرف مقابل از تو باور کند.

توضیح

در قلب انسان مؤمن، عظمت نام خدا به عنوان نمادی از ایمان و اعتقاد به خدا وجود دارد، به طوری‌که انسان مسلمان حاضر می‌شود همه چیز خود را از دست بدهد؛ ولی این عظمت را هم‌چنان حفظ نماید. طبیعی است که مسلمان عمداً و به ناحق نام خدا را نادیده نمی‌گیرد و از آن رد نمی‌شود. بنابراین سوگند به نام خدا در شریعت اسلام برای احقاق حق در نظر گرفته شده است. قابل ذکر است که در برخی از قبایل به جای سوگند به نام خدا، روش‌های دیگری از قبیل داغ‌ دادن روغن، افروختن آتش و دم‌ زدن لقمه مرسوم است، باید گفت که هیچ یک از این روش‌ها، اسلامي و شرعي نبوده و حجت نيست و نبايد متهم را به اين‌گونه سوگندها مجبور ساخت و هم‌چنین نباید متهم، حاضر به تحمل این سوگند‌های جاهلی بشود؛ زیرا اعمال نمودن این روش‌ها بیانگر ضعیف بودن ایمان کسانی است که دست به این روش‌ها می‌زنند.

بعضی از مردم، هنگام سوگند خوردن، به گمان خود زرنگی به خرج داده از کلمات مشترک المعنی استفاده می‌کنند، تا هم طرف مقابل را قانع سازند و هم از گزند سوگند، محفوظ بمانند. رسول خدا ج در این حدیث، خطاب به چنین کسانی فرمود: سوگند شما مطابق نیت کسی خواهد بود که شما را سوگند می‌دهد، نه مطابق نیت شما.

حدیث بیستم

1. عن عبدالله ‌بن مسعودس قال: قال رسول الله ج: «هَلَكَ المُتَنَطِّعُون - قالها ثلاثا» [صحیح مسلم].

ترجمه: از عبدالله بن مسعودس روایت است که رسول خدا ج فرمود: نابود شوند کسانی که با تکلف (از ته حلق) سخن می‌گویند، ایشان سه مرتبه این جمله را تکرار کرد.

توضیح

ساده‌زیستن و ساده سخن‌گفتن از صفات پیامبر خدا ج به شمار می‌آیند. خداوندﻷ در قرآن خطاب به پیامبر ج می‌فرماید:

﴿وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ ٨٦﴾ [ص: 86].

«بگو که من (پیامبر) اهل تَکلُف نیستم».

هم‌چنین روزی شخصی با رسول خدا ج سخن می‌گفت، ایشان‌ ج متوجه شد که او با ترس و دلهره سخن می‌گوید، لذا فرمود: چرا می‌ترسی؟ من فرزند زنی هستم که گوشت خشک می‌خورد.

برخی از مردم سعی می‌کنند، هنگام سخن گفتن از حالت و صدای عادی خویش بیرون رفته، با تکلف، سخن بگویند، خداوندﻷ این عمل را نمی‌پسندد و رسول خدا ج به شدت آن‌ را نکوهش نموده است.

حدیث بیست و یکم

1. عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ رضی‌الله‌عنهما قال: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ج بِمَنْكِبِى فَقَالَ: «كُنْ فِى الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ» [صحیح بخاری].

ترجمه: از ابن عمرب روایت است می‌گوید: رسول خدا ج دست بر شانه‌ام گذاشت و فرمود: در دنیا هم‌چون غریبه و یا رهگذر زندگی کن.

توضیح

انسان، رهگذری است که از عالم ارواح به راه افتاده و پس از طی سفری نسبتاً طولانی، سرانجام به منزل مقصود خواهد رسید؛ ولی در اثنای این سفر، مدتی در عالم ارواح، سپس در شکم مادر و بعد از آن در دنیا، سپس در عالم برزخ و میدان محشر بوده و پس از آن بر اساس عملکرد خویش یا برای همیشه به بهشت و یا این‌که به دوزخ خواهد رفت.

رسول خدا ج فرمود: دنیا زندان مسلمان و بهشت کافر است. انسان مسلمان زندگی دنیا را به عنوان مقدمه‌ای برای زندگی جاودان پس از مرگ می‌داند و به جای گسترانیدن بساط لهو و لعب، مشغول توشه‌برداری برای فردای خویش می‌شود.

اما انسان کافر، دنیا را جولانگاه بزرگی برای برآورده نمودن سایر آرزوهای خویش می‌پندارد و چنان به ساخت و ساز آن می‌پردازد که گویی آخرتی در کار نیست.

رسول خدا ج با آوردن مثال زیبایی فرمود: در دنیا هم‌چون غریبه و یا رهگذر زندگی کن. ابن عمرب می‌فرمد: وقتی صبح کردی، منتظر شام مباش و چون شب کردی، منتظر صبح مباش و از صحت خویش برای روزهای بیماری و از حیات خویش برای روزهای پس از مرگ، توشه برگیر.

حدیث بیست و دوم

1. عن أبي هريرةس قال: قال رسول الله ج: «كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ» [صحیح مسلم].

ترجمه: از ابوهریرهس روایت است که رسول خدا ج فرمود: برای دروغگو بودن فرد کافی است که هر آن‌چه را می‌شنود (بدون تحقیق) برای دیگران بازگو کند.

توضیح

دروغگو دشمن خدا است. و کسی که سخنان دیگران را، بدون تحقیق، منتقل می‌کند نیز دروغگو است.

وقتی کسی سخنی را با شما در میان می‌گذارد، در واقع امانتی را به شما می‌سپارد؛ چنان‌که رسول خدا ج فرمود: سخن مجلس، امانت به شمار می‌رود.

برخی عادت کرده‌اند هرچه را می‌شنوند، فوراً انعکاس می‌دهند، سرانجام مشخص می‌گردد که آن خبر، دروغی بیش نبوده است. خداوندﻷ می‌فرماید: هرگاه فاسقی به شما خبری رساند، تحقیق و بررسی کنید (و ببینید که سخنش راست است یا دروغ).

رسول خدا ج فرمود: مردم در نتیجه گفتار خویش، وارونه به دوزخ می‌افتند، پس باید مواظب بود و زبان خود را جز در موارد خیر به کار نبست. رسول خدا ج می‌فرماید: کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، یا سخن نیک بر زبان بیاورد و یا ساکت بنشیند.

حدیث بیست و سوم

1. عن ابن عباسس عن النبي ج قال: «لاَ يَخْلُوَنَّ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ إِلاَّ مَعَ ذِى مَحْرَمٍ» [متفق علیه].

ترجمه: از ابن عباسس روایت است که رسول اکرم ج فرمود: هیچ‌یک از شما با زن بیگانه‌ای در غیر حضور محرمش به خلوت ننشیند.

توضیح

اسلام به مرد و زن دستور می‌دهد که از چشم‌چرانی و نگاه‌های شهوت‌آمیز به یکدیگر خودداری نمایند و ناموس خویش را محفوظ بدارند، بنابراین تمام بدن یک زن (جز دست و قرص چهره‌اش) عورت است و هم‌نشینی و سفر نمودن زن با مرد بیگانه حرام و ناجایز است.

هدف از مرد بیگانه، هر آن مردی است که از دیدگاه شرع، محرم آن زن به حساب نمی‌آید و روزی نکاح وی با آن صحیح خواهد بود.

امروز متأسفانه بسیاری از زنان و دختران مسلمان، بستگان نزدیک و چه بسا دور را محرم خویش تصور می‌کنند، به عنوان مثال با پسرعمو، پسرخاله و برادر شوهر، راحت هستند، در حالی‌که این‌ها محرم که هیچ، بلکه بدترین نامحرم‌ها هستند.

اسلام زن را جوهری گران‌قیمت می‌داند که باید از دسترس غارتگران حیا و عفت، بدور ماند.

حدیث بیست و چهارم

1. عن عائشة رضي الله عنها قالت قال النبي ج «لا تَسُبُّوا الأَمْوَاتَ فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضَوْا إِلَى مَا قَدَّمُوا» [صحیح بخاری].

ترجمه: از عایشهل روایت است که رسول اکرم ج فرمود: به مردگان (و گذشتگان) ناسزا نگوئید؛ زیرا آنها به سوی اعمالی که پیش فرستاده‌اند، رخت بسته‌اند.

توضیح

ناسزاگویی، غیبت و دشنام دادن از بزرگترین و زشت‌ترین گناهان‌اند، به ویژه بد گفتن به مردگان گناه بزرگی است، به خاطر این‌که انسان وقتی از کسی که در قید حیات است، غیبت کند و یا او را ناسزا گوید، ممکن است روزی از او معذرت‌خواهی نماید، ولی در مورد مردگان چنین فرصتی میسر نیست؛ بنابراین کسی که به مردگان ناسزا می‌گوید، هم‌زمان دو جرم مرتکب شده است: یکی بد گفتن و دیگری به فکر معذرت خواهی نبودن.

مرده چه مسلمان باشد چه کافر نباید به او ناسزا گفت؛ زیرا مردگان به کیفر کردار نیک و بد خویش رسیده‌اند، از این‌رو باید زندگان در حق آنها دعای خیر کنند و از آنان به نیکی یاد نمایند.

حدیث بیست و پنجم

1. عن أبي الدرداءس قال: قال رسول الله‌ ج: «لا يَكُونُ اللَّعَّانُونَ شُفَعاءَ وَلا شُهَدَاءَ يَوْمَ القِيامَةِ» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابودرداءس می‌گوید: رسول خدا ج فرمود: نفرین‌کنندگان، نه در قیامت شفاعت‌کننده خواهند بود و نه از آنان به عنوان گواه، استفاده می‌شود.

توضیح

بی‌تردید، زبان یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است که به انسان عنایت گردیده تا در زندگی اجتماعی به وسیله آن بتواند خواسته‌ها، پیشنهاد‌ها، درد دل‌های خویش را با دیگران در میان بگذارد. ارزش واقعی این قطعه گوشت گویا را، کسی می‌داند که از آن محروم است.

اینک باید قدری فکر کرد که چرا خداوند این نعمت بزرگ را در اختیار انسان نهاده است. آیا ما توانسته‌ایم از آن، مطابق دستور خدا استفاده کنیم؟ یقیناً خداوند زبان را در اختیار ما نهاده تا ما آن ‌را در ضروریات و دیگر امور خیر، مانند ذکر خدا و تلاوت قرآن و ایجاد صلح و آشتی بین مسلمانان، به کار بندیم، نه برای افروختن آتش جنگ و دشمنی و نفرین و ناسزاگویی.

متأسفانه برخی عادت به ناسزاگویی و نفرین دارند، زبانشان همواره هم‌چون نیش عقرب باعث اذیت و آزار همسایگان و خویشاوندان می‌شود. خداوند چنین انسان‌های بد دهن و نفرین‌کننده را دوست ندارد و روز قیامت جایی که دیگر مؤمنان حق شفاعت دارند و از آنان به عنوان گواه استفاده می‌شود، اینان نه حق شفاعت دارند و نه از آنان گواهی خواسته می‌شود.

حدیث بیست و ششم

1. عن أبي هريرةس عن النبي ج أنّه قال: «لاَ يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرٍ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ» [متفق علیه].

ترجمه: از ابو هریرهس روایت است که رسول اکرم ج فرمود: مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود.

توضیح

انسان مؤمن همواره در زندگی، با حکمت و بینش خدادادی پیش می‌رود. در کارهایش از مشاوره و استخاره استفاده می‌کند؛ زیرا رسول خداج فرموده‌اند: کسی که استخاره کند، زیان نمی‌بیند و کسی که مشورت نماید، پشیمان نمی‌گردد.

هرکس تضمین نماید که احکام و دستورات خداوند را رعایت کند، خداوند تضمین می‌کند که از او حفاظت به عمل آورد؛ چنان‌که رسول خداج می‌فرماید: «احْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ، احْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجاهَكَ». شاید انسان مؤمن گاهی بر اثر غفلت، چه در امور دین و چه در امور دنیا، دچار نقصان بشود، ولی هرگز دوباره گرفتار همان نقصان نخواهد شد.

البته این در مورد انسان مؤمنی است که واقعاً پایبند به دستورات خدا بوده، زندگی اخروی را نصب العین خویش قرار داده باشد، نه این‌که فقط نامش مسلمان باشد و با نادیده گرفتن دستورات خدا، ناسنجیده دست به هر اقدامی بزند، آن‌گاه ممکن است از یک سوراخ چندین بار گزیده شود، والله اعلم.

حدیث بیست و هفتم

1. عن ابن عمر رضي الله عنهما قال: إني سمعت رسول ‌الله ج يقول: «لاَ يَقْبَلُ الله صَلاَةً بِغَيْرِ طُهُورٍ، وَلاَ صَدَقَةً مِنْ غُلُولٍ» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابن عمرس می‌گوید: من از رسول اکرم‌ ج شنیدم که فرمود: خداوندﻷ نماز بدون طهارت و صدقه‌کردن از مال دزدی را نمی‌پذیرد.

توضیح

هر عبادتی دارای شرایطی است که اگر مطابق آن شرایط انجام گیرد، مقبول و در غیر آن صورت، مردود و باطل است. برای صحت نماز نیز شرط است که شخص از جنابت و بی‌وضو بودن پاک بوده، لباس‌ها و زمینی که در آن نماز می‌خواند نیز پاک و تمیز باشد. همچنین کسی که صدقه‌ای در راه خدا می‌دهد باید از دسترنج خود و از کسب حلال باشد.

برخی، از راه‌های حرام و نامشروع، مال بدست می‌آورند و از آن در راه خدا انفاق می‌کنند، باید گفت که چنین صدقه و انفاقی، نزد خدا پذیرفته نیست؛ زیرا خداوند پاک است و فقط مال پاک را می‌پذیرد.

عده‌ای از راه فروش مواد مخدر و با ریختن خون و از بین بردن آبرو و ناموس مردم، به سرمایه‌های هنگفتی دست می‌یابند، آن‌گاه اقدام به ساخت مسجد، رفتن به سفر حج و عمره و صدقه دادن می‌کنند، باید گفت که هیچ‌گونه اجر و پاداشی برای این افراد وجود ندارد و در مقابل این معاملات ناجایز، بازخواست خواهند شد.

حدیث بیست و هشتم

1. عن عائشة رضي الله عنها قالت: سمعت رسول الله ج يقول: «لاَصَلاَةَ بِحَضْرَةِ الطَّعَامِ وَلاَ وَهُوَ يُدَافِعُهُ الأَخْبَثَانِ» [صحیح مسلم].

ترجمه: عایشهل می‌گوید از رسول اکرم ج شنیدم که فرمود: نماز به هنگام حاضر شدن غذا و هم‌چنین وقتی که انسان تحت فشار بول و غائط قرار دارد، درست نیست.

توضیح

انسان در نماز با خدای خویش ملاقات می‌نماید و مستقیماً با وی به گفتگو می‌نشیند، از این‌رو نماز در میان سایر عبادت‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد و پس از توحید دومین رکن مهم اسلام است.

رسول خدا ج نماز را مرز میان کفر و اسلام معرفی کرده است. انسان باید هنگام نماز، خود را از سایر وابستگی‌ها برهاند و با یک‌سویی کامل رو به خدا آورد؛ پس اگر به وقت نماز، غذا حاضر بود، نخست باید غذا میل کرده، سپس به نماز بایستد، تا با خاطری آرام و مطمئن نماز را به جای آورد.

هم‌چنین نباید انسان در حالی‌که از ناحیه وضو تحت فشار قرار دارد برای نماز بایستد، زیرا در چنین حالی، خشوع و آرامش مطلوب را از دست می‌دهد؛ پس بهتر است که شخص قبل از فرا رسیدن وقت نماز، خود را آماده سازد، غذا بخورد، تجدید وضو نماید، آن‌گاه با خاطری آسوده به ملاقات پروردگار خویش برود.

حدیث بیست و نهم

1. عن جابرس قال: قال رسول الله ج: «الْحَرْبُ خِدْعَةٌ» [متفق علیه].

ترجمه: جابرس از رسول اکرم ج نقل می‌کند که فرمود: جنگ نیرنگ است.

توضیح

اسلام با جنگ، خشونت و خونریزی مخالف است؛ ولی نباید فراموش کرد که رسالت اسلام، پیاده ‌نمودن توحید و از بین بردن شرک و کفر از سرزمین خدا است، برای این منظور خداوند پیامبران را می‌فرستاد، آنها خواسته‌های خدا را به مردم ابلاغ می‌کردند، کسانی که می‌پذیرفتند، مؤمن شده، در دایره اسلام در می‌آمدند و کسانی که نمی‌پذیرفتند، از آنها مبلغ ناچیزی به عنوان جزیه وصول می‌شد، تا در سایه حکومت اسلامی زیسته، نتوانند برای اسلام و مسلمانان مزاحمت ایجاد نمایند، و اگر جزیه نمی‌دادند در آن‌صورت با آنان مبارزه مسلحانه «جهاد» انجام می‌گرفت، گاهی هم جنگ‌های اسلامی جنبه دفاعی داشته است، به هر حال، اسلام خود را موظف می‌داند که علیه کفر و شرک و بیداد، قیام کند و به هر ترتیبی که شده به آن خاتمه بخشد. بزرگ‌ترین ظلم در دنیا شرک به خداوند است؛ زیرا به وسیله شرک، انسان به ولی نعمت خویش کفر می‌ورزد. و اغلب جهادهای پیامبر ج به خاطر از بین بردن شرک و بت‌پرستی بوده است.

در حدیث فوق، رسول خدا ج می‌فرماید: جنگ نوعی حیله است؛ یعنی در تاکتیک جنگی می‌توان از حیله کار گرفت و دشمن را غافل‌گیر ساخت. والله اعلم.

حدیث سی‌ام

1. عن أبي مرثد الغنويس قال: قال رسول الله ج: «لاَ تَجْلِسُوا عَلَى الْقُبُورِ وَلاَ تُصَلُّوا إِلَيْهَا» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابو مرثد غنویس می‌گوید: از رسول اکرم ج شنیدم که فرمود: به سوی قبرها نماز نگزارید و بر آنها ننشینید.

توضیح

قبر از نظری آخرین و از نظری، نخستین منزل انسان است. قبر یا روزنه‌ای است به سوی بهشت و یا دریچه‌ای به سوی دوزخ. کسی که از دنیا رحلت می‌کند و به درون قبر قدم می‌گذارد، ارتباطش با دنیا قطع می‌گردد، نه زندگان به او دسترسی دارند و نه او به زندگان دسترسی خواهد داشت، نه این‌ها از احوال او باخبرند و نه او از احوال دنیا اطلاع دارد.

برخی متأسفانه قدم فراتر نهاده، معتقداند نه تنها مردگان سخنان ما را می‌شنوند، بلکه می‌توانند به ما کمک کنند. به همین جهت قبرهای برخی از بزرگان را مجلل می‌سازند و حریم آنها را هم‌چون حرم خانه الهی، مقدس می‌دانند و چه بسا دست به دامان می‌شوند و فراتر از این، عده‌ای گرد ضریح می‌گردند و به سجده می‌افتند. باید گفت که با توجه به حساسیتی که در دین مبین اسلام نسبت به مسایل توحیدی وجود دارد، این‌گونه اعمال، غیرشرعی بوده و با توحید هم‌خوانی ندارد.

حدیث سی و یک

1. عن أنسس عن النبي ج قال: «لا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ» [صحیح بخاری].

ترجمه: از انس‌س روایت است که رسول اکرم ج فرمود: هیچ یک از شما مؤمن واقعی نخواهد بود تا آن‌که دوست داشته باشد برای برادر خویش آن‌چه را برای خود دوست می‌دارد و می‌پسندد.

توضیح

در اسلام اصلی تحت این عنوان وجود دارد که: «هرچه برای خود می‌پسندی برای دیگران بپسند» (البته امور خیر و شرعی نه چیزهای نامشروع) اگر بشر همین اصل را مورد توجه قرار داده و رعایت بکند، به جرأت می‌توان گفت به همه نابسامانی‌ها و خونریزی‌های سرتاسر دنیا، خاتمه داده خواهد شد.

ولی متأسفانه این‌طور نیست، بلکه اغلب مردم دوست ندارند و تلاش نمی‌کنند که دیگران از خیری که شامل حال آنان شده است، برخوردار گردند، هم‌چنین آن‌چه را برای خود، ضرر تشخیص می‌دهند، سعی نمی‌کنند که دیگران نیز از گزند آن محفوظ بمانند.

از این‌رو ما در جوامع مختلف بشری، شاهد، دروغ‌گویی، دورویی، کلاه‌برداری، دزدی و انواع حق‌کشی هستیم.

رسول خدا ج در جایی دیگر در مورد انسان مؤمن، می‌فرماید: نه فریب‌ می‌خورد و نه فریب می‌دهد.

پس اگر ما دوست نداریم که به جان، مال و آبروی ما تعرضی صورت گیرد، نباید زمینه تعرض به جان، مال و آبروی برادر مسلمان خویش را فراهم کنیم.

حدیث سی و دوم

1. عن عليس أن النبي ج قال: «لاَطَاعَةَ فِى مَعْصِيَةِ إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِى الْمَعْرُوفِ» [متفق علیه].

ترجمه: از علی ابن ابی طالبس روایت است که رسول اکرم ج فرمود: فرمانبرداری از کسی در معصیت خدا جایز نیست، بلکه فرمانبرداری فقط در کار نیک، شایسته است.

توضیح

در آیات و روایات متعدد، انسان به اطاعت از امیر و ریش‌سفید و هم‌چنین زنان به اطاعت از شوهران خویش امر شده‌اند. در این حدیث، پیامبر خدا ج اطاعت از مخلوق را مشروط می‌گرداند به این‌که با ترک واجب یا ارتکاب معصیتی، منجر به نافرمانی خداوند نشود؛ به عنوان مثال: اگر پدری فرزند خویش را و یا شوهری زنش را از خواندن نماز باز دارد، آنها تسلیم امر او نشده، نماز را ترک نگویند؛ زیرا خشنود ساختن خداوند، اصل و اساس است اما خشنود ساختن بندگان مشروط به این است که خدا ناراضی نشود؛ چرا که دل‌های مردم به دست خداوند است، اگر شما خاطر کسی را برای خشنود ساختن خداوند برنجانید، یقیناً خداوند او را از شما خشنود خواهد ساخت.

حدیث سی و سوم

1. عن ابن عمرب أن رسول الله ج قال: «لاَ يَنْظُرُ الله إِلَى مَنْ جَرَّ ثَوْبَهُ خُيَلاَءَ» [متفق علیه].

ترجمه: ابن عمرب ارشاد رسول اکرم ج را نقل می‌کند که فرمود: خداوند به سوی کسی که از روی کبر لباسش را پایین می‌اندازد، نمی‌نگرد.

توضیح

تکبر و بزرگ‌‌منشی یکی از گناهان کبیره است که خداوند انسان‌ها را از آن برحذر داشته است؛ چراکه تکبر صفت مخصوص خداوند می‌باشد که از هرگونه عیب و نقص پاک است، اما آدمی که سراسر عیب و نقص است، کبر و بزرگی برازنده او نیست.

معمولاً، علم، نسب، قیافه و ثروت باعث تکبر می‌شود. تکبر یکی از آفت‌های اجتماعی است که ضرر و زیان بی‌شمار دارد. تکبر انسان را از مهر و محبت و ایثارگری باز می‌دارد. تکبر و خودستایی باعث کینه‌توزی، دشمنی و اختلاف می‌گردد.

در زمان جاهلیت، برخی از مردان لباس‌های خود را به طرز فاخرانه‌ای عریض و طویل می‌ساختند. رسول اکرم ج شدیداً از این عمل بازداشته و آن را علامت تکبر دانسته است.

در زمان حاضر نیز برخی از مردان، پاچه‌های شلوار خود را گشاد و دراز می‌دوزند، به طوری‌که روی زمین کشیده می‌شود، اگر کسی این کار را از روی تکبر و غرور انجام دهد، مورد خشم و نفرت الهی قرار می‌گیرد و خداوند، روز قیامت به سوی چنین شخصی نخواهد نگریست.

حدیث سی و چهارم

1. عن أبي هريرةس أن رسول الله ج قال: «لاَ يَدْخُلُ الجَنَّةَ مَنْ لاَ يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقَهُ» [صحیح مسلم].

ترجمه: کسی که همسایه‌اش از دست و زبان او در امان نباشد وارد بهشت نخواهد شد.

توضیح

مسلمان کسی است که دیگر مسسلمانان از دست و زبانش در امان باشند. حق همسایه از جمله حقوقی است که اسلام به شدت در مورد رعایت آن، توصیه نموده است. کسی که همسایه و اطرافیان وی از گفتار و رفتارش راضی باشند، یقیناً خداوند نیز از او راضی خواهد بود؛ چنان‌که در حدیثی آمده است: جنازه‌ای را برای تدفین می‌بردند، رسول اکرم ج با تعدادی از یارانش نشسته بود، اطرافیان در مورد آن جنازه سخنان نیکی بر زبان آوردند، رسول خدا ج فرمود: «وَجَبَتْ»؛ یعنی بر او واجب شد. در همین وقت جنازه‌ی دیگری را آوردند، اطرافیان رسول خدا ج، از او به بدی یاد کردند، رسول خدا ج فرمود: «وَجَبَتْ»؛ یعنی بر او واجب شد. اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا ج! شما همین کلمه را در مورد فلان میت که ما از او به نیکی سخن گفتیم، فرمودید! رسول اکرم ج فرمود: برای او بهشت و برای این، دوزخ واجب گردید؛ زیرا انسان هر طور که میان مردم باشد، نزد خدا نیز همان‌گونه خواهد بود.

حدیث سی و پنجم

1. عن أبي طلحةس قال: قال النبي ج: «لاَ تَدْخُلُ الْمَلاَئِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلاَ تَصَاوِير» [صحیح بخاری].

ترجمه: از أبوطلحهس روایت است که رسول اکرم ج فرمود: فرشتگان در خانه‌ای که سگ و تصویر در آن وجود دارد، وارد، نمی‌شوند.

توضیح

باید دانست که در قدیم بت‌پرستان، نخست مجسمه و تصاویر بزرگان خود را به عنوان یادگار می‌ساختند، سپس اندک‌اندک با تلقین شیطان به عبادت آنها می‌پرداختند. و از آنجا که اسلام آئین یکتاپرستی و توحید است، با هر نوع پدیده‌ای که به نحوی یادآور شرک باشد، شدیداً مخالف است، از این‌رو در مورد مجسمه‌سازی و تصویرگری، وعیدهای شدیدی بیان شده است.

برخی از علمای معاصر عکس‌هایی را که توسط دوربین عکاسی گرفته می‌شود، مجاز می‌دانند، ولی اکثر علما این‌گونه عکس‌ها را جزو همان تصاویر ممنوعه می‌شمارند و احتیاط نیز همین را تقاضا می‌کند، والله اعلم.

پس در هر خانه‌ای که عکس یا مجسمه نگهداری می‌شود به ویژه اگر روی دیوار قاب شده باشند، فرشتگان رحمت وارد نمی‌شوند هم‌چنین در خانه‌ای که سگ نگهداری می‌شود، فرشتگان وارد نمی‌شوند؛ زیرا آنها مخلوقات مقدسی هستند و در چنین مکان‌هایی حضور نمی‌یابند؛ البته عکس گرفتن برای ضرورت و هم‌چنین نگهداری سگ جهت نگهبانی و برای محافظت گله گوسفندان، اشکالی ندارد.

حدیث سی و ششم

1. عن أبي ذرس قال: قال لي النبي ج: «لا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا، وَلَوْ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ بِوَجْهٍ طَلْقٍ» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابوذرس ارشاد رسول اکرم ج را نقل می‌کند که فرمود: عمل نیک هرچه باشد آن‌را کم و حقیر مپندار، حتی همین که برادرت را با چهره باز ملاقات نمایی.

توضیح

برخی از مردم تصور می‌کنند که کار خوب حتماً باید بر حسب ظاهر، خیلی چشم‌گیر باشد، حال آن‌که این تصور غلطی است؛ زیرا انجام هر کار خیر چه کوچک و چه بزرگ، توفیقی است از جانب خداوند، بنابراین نباید هیچ عمل نیکی را هر چند به ظاهر کوچک باشد، حقیر و اندک شمرد؛ به عنوان مثال: همین که شما با برادر مسلمانتان با چهره باز ملاقات می‌کنید، ظاهراً کار ساده‌ای به نظر می‌رسد، ولی نزد خداوند، خیلی مهم و دارای اجر و پاداش است؛ چون شما با این کار، دل یک انسان را بدست آورده و شاد گردانیده‌اید، چنان‌که اگر با چهره‌ای خشن، با او رو به رو می‌شدید، یقیناً باعث رنجش خاطر او می‌شد. خداوند می‌فرماید: سخن نیک و پسندیده بهتر از صدقه‌ای است که منت و ایذا را در پی داشته باشد.

رسول خدا ج نیز فرموده است: اگر شما نتوانستید به وسیله مال خود، صدقه بدهید، سخن نیک و برخورد خوب نیز صدقه است.

حدیث سی و هفتم

1. عن عبدالله بن مسعود‌س عن النبي ج قال: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ ضَرَبَ الْخُدُودَ، وَشَقَّ الْجُيُوبَ، وَدَعَا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ» [متفق علیه].

ترجمه: ابن مسعودس می‌گوید، رسول اکرم ج فرمود: کسی که [به هنگام مصیبت] به سر و صورت بزند و سینه چاک کند و سخنان جاهلانه بر زبان آورد، از ما نیست.

توضیح

انسان مسلمان و معتقد به دین و ایمان، همیشه به یاد خداوند بوده و در شادی و غم بر او تکیه می‌نماید. حصول شادی و نعمت و همچنین غم و مصیبت از طرف خداوند است؛ پس در همه حال باید خطا را در نظر گرفت.

انسان باید قبل از وقوع مصیبت، آمادگی آن را داشته باشد؛ زیرا مصیبت خبر نمی‌کند که چه وقت فرا می‌رسد. برخی از انسان‌ها که انتظار هیچ‌گونه درد، رنج و مصیبتی را ندارند وقتی ناگهان با مصیبتی رو به رو می‌شوند کنترل خویش را از دست داده، شروع به داد و فریاد می‌کنند، سینه چاک داده، به سر و صورت خویش می‌زنند و سخنان جاهلانه بر زبان می‌آورند، خداوند این رفتار را نمی‌پسندد و سخت ناراضی می‌گردد. رسول خدا ج از این‌گونه افراد اظهار برائت (بیزاری) نموده است.

شایسته است که انسان مؤمن، به وقت مصیبت، ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ ١٥٦﴾ [البقرة: 156] بگوید، و به ذکر خدا، نماز و دعا روی آورد، و بداند که خداوند بندگانش را گاهی با غم و گاهی با شادی آزمایش می‌کند.

وقتی طفل خردسال رسول خدا ج وفات نمود، اشک از دیدگانش سرازیر شد، کسي پرسید: ای رسول خدا، شما نیز گریه می‌کنيد؟ فرمود: این علامت رحم و عطوفت است و آن‌چه ممنوع می‌باشد، بلند کردن صدا و زدن به سر و صورت است.

حدیث سی و هشتم

1. عن أبی هریرةس عن النبي ج قال: «لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، وَلَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ» [متفق علیه].

ترجمه: از ابوهریره‌س روایت است که رسول اکرم ج فرمود: غني بودن با كثرت مال و سرمايه نيست، بلكه غنای واقعی غنای قلب است.

توضيح

برخي مي‌پندارند كه غنا يعني ثروتمند بودن، و كسانی كه مال و ثروت ندارند، فكر می‌كنند، نمی‌توانند غنی باشند.

رسول خدا< در اين حديث، توجه ما را به سوی امر مهمی جلب نموده و آن اينكه غنای واقعی با مال و ثروت كلان حاصل نمی‌شود، بلكه غنای حقيقی، غنای درونی و غنای قلب است. طبق اين حديث، تهی‌دستان نيز می‌توانند بزرگ‌ترين اغنيای روزگار باشند.

گاهی می‌بینیم كه برخی از ثروتمندان، طوری وانمود می‌كنند كه گویی از هیچ نعمتی برخوردار نیستند، نه آثار نعمت در زندگی آنها مشاهده می‌شود و نه از مال آنها به كسی خیری می‌رسد، همواره از تنگدستی می‌نالند، در مقابل، افراد مؤمنی را می‌بینیم كه با داشتن كمترین امكانات زندگی، شكر خدا را به جای می‌آورند و هیچ‌گاه لب به شكوه نمی‌گشایند. خداوند چنین بندگانی را دوست می‌دارد.

حديث سی و نهم

1. عن أنس بن مالكس عن النّبي ج قال: «لَغَدْوَةٌ، أَوْ رَوْحَةٌ فِي سَبِيلِ الله خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا» [متفق علیه].

ترجمه: از انسس روایت است كه رسول اكرم ج فرمود: یک صبح یا شام «جهاد» در راه خدا بهتر است از «انفاق» تمام دنیا و هرآنچه در آن وجود دارد.

توضیح

هدف از خلقت آسمان‌ها، کهکشان‌ها، زمین و سایر موجودات معرفی الله و به عبارتی احقاق یگانه‌پرستی و توحید بوده است، جهاد نیز برای همین منظور فرض شده است. دعوت الی الله نیز راه خدا است؛ زیرا در آن، مردم به سوی توحید و عبادت خدای یکتا فرا خوانده می‌شوند.

یک لحظه و یک ساعت در راه خدا، نعمتی بس بزرگ محسوب می‌شود و یک صبح و شام بیرون شدن در راه خدا، از انفاق دنیا و هر آن‌چه در آن، وجود دارد با ارزش‌تر است. برخی از علما این حدیث را مخصوص جهاد دانسته‌اند، و عده‌ای مصداق آن‌را وسیع‌تر نموده، هر عملی را که مخلصانه برای احیای دین الله انجام گیرد، راه خدا نامیده‌اند، والله اعلم.

حدیث چهلم

1. عن عبدالله بن مسعودس عن النبي ج قال: «لِكُلِّ غَادِرٍ لِوَاءٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُقَالُ هَذِهِ غَدْرَةُ فُلاَنٍ» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابن مسعودس می‌گوید، رسول اکرم ج فرمود: روز قیامت برای هر عهدشکن و خائنی پرچمی نصب می‌گردد و اعلام می‌شود که این است پرچم خیانت فلانی.

توضیح

وفا به عهد و امانت‌داری از صفات انبیا بوده و جزو خصلت‌های پسندیده نزد خداوند می‌باشند، چنان‌که عهدشکنی و خیانت، صفات نکوهیده و زشتی بوده و موجب ناخشنودی خداوند می‌شوند.

خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَوۡفُواْ بِٱلۡعَهۡدِۖ إِنَّ ٱلۡعَهۡدَ كَانَ مَسۡ‍ُٔولٗا ٣٤﴾ [الإسراء: 34].

«به وعده‌هایتان وفا کنید؛ زیرا از شما در مورد عهد و پیمان سؤال خواهد شد».

هم‌چنین فرموده‌ است: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٖ كَفُورٍ ٣٨﴾ [الحج: 38].

«خداوند هر خیانت پیشه ناسپاس را دوست ندارد».

رسول خدا ج، عهدشکنی را یکی از علایم نفاق دانسته است، هم‌چنین عهدشکنی و خیانت از علامت‌های قیامت شناخته شده‌اند.

متأسفانه در زمان حاضر، وفا به عهد و امانت‌داری از جمله صفات کمیاب بلکه نایاب تلقی می‌شوند، در حالی‌که در گذشته، مسلمانان بدون استثنا پایبند امانت‌داری و وفای به عهد بوده‌اند؛ ولی امروز کمتر کسی پیدا می‌شود که به این موارد پایبند باشد.

حدیث چهل و یکم

1. عن أبي هریرةس قال: قال رسول الله ج: «لَلَّهُ أَشَدُّ فَرَحًا بِتَوْبَةِ أَحَدِكُمْ مِنْ أَحَدِكُمْ بِضَالَّتِهِ إِذَا وَجَدَهَ» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابوهریرهس روایت می‌کندکه رسول اکرم ج فرمود: خداوند با توبه یکی از شما، بیش‌تر خوشحال می‌شود، از آن کسی که گمشده‌ی خود را [در بیابان] بیابد.

توضیح

انسان فرشته نیست که خطا نکند و نه شیطان است که از خطای خویش نادم نشود. خداوند آن بنده‌ی خطاکار را دوست دارد که از خطای خود، نادم گشته، به سوی الله رجوع نماید.

گناه و معصیت مانند نقطه سیاهی بر دل نقش می‌بندد، و اگر پس از آن توبه و رجوعی در کار باشد، آن نقطه سیاه محو و زایل می‌گردد، در غیر این‌صورت نقطه‌های سیاه یکی پس از دیگری قلب را فرا گرفته و بر آن چهره می‌شوند. آن‌گاه از قلب سیاه، جز سیاهی و تباهی چیز دیگری عاید نمی‌شود.

توبه بر دو قسم است: یکی توبه از حقوق مردم و دیگری توبه از حقوق خداوند. شرط قبولیت توبه از حقوق مردم این است که اگر مالی بر عهده او است، باید آن‌را به صاحبش برگرداند و اگر به حیثیت و آبروی کسی تعرض نموده است باید از او حلالی بطلبد. و توبه از حق خدا بدین صورت است که نخست دست از معصیت بردارد و پشیمان گردد و قطعاً تصمیم بگیرد که دوباره به آن گناه روی نیاورد. و اگر فرضی را ترک نموده است، استغفار کند و سعی نماید آن‌را با نوافل جبران نماید.

 حدیث چهل و دوم

1. عن عائشة رضي الله عنها عن النبي ج قال: «مَنْ نَذَرَ أَنْ يُطِيعَ اللَّهَ فَلْيُطِعْهُ ، وَمَنْ نَذَرَ أَنْ يَعْصِيَ اللَّهَ فَلا يَعْصِهََََِ» [صحیح بخاری].

ترجمه: عایشهل ارشاد رسول اکرم ج را نقل می‌کند که فرمود: هرکس نذر نمود که کار نیکی انجام دهد، پس آن‌ را انجام دهد و اگر نذر به انجام کاری کرد که موجب نافرمانی خداوند می‌گردد، آن را انجام ندهد.

توضیح

نذر بر دو قسم است: نذر جایز و نذر ناجایز.

نذر جایز این است که شخص به صورت غیر مشروط بگوید: من فلان مبلغ را در راه خدا انفاق می‌کنم، یا این‌که بر من است که چند روز روزه بگیرم. و نذر ناجایز این است که شخصی بگوید: اگر خداوند فرزند بیمارم را شفا بدهد، من فلان مبلغ را انفاق می‌کنم یا این‌که چند روز، روزه می‌گیرم؛ البته عمل کردن به مقتضای هردو نذر لازم و ضروری است؛ مگر این‌که نذر معصیتی باشد؛ به طور مثال کسی بگوید: اگر کار من درست بشود، من این مقدار شراب تقسیم می‌کنم، یا اگر فلان کار درست نشود، من با فلانی قطع رابطه می‌کنم، همه این‌گونه نذرها، نذر به معصیت بوده و ناجایز است. هم‌چنین اگر کسی سوگند بخورد که معصیتی مرتکب بشود، انجام آن معصیت جایز نخواهد بود، بلکه پرداخت کفاره لازم می‌گردد.

حدیث چهل و سوم

1. عن جریر بن عبداللهس قال: قال رسول الله ج: «مَنْ لاَ يَرْحَمِ النَّاسَ لاَ يَرْحَمْهُ اللَّهُ (عزوجل)» [صحیح مسلم].

ترجمه: هرکس به مردم رحم نکند، خداوندﻷ نیز او را مورد رحمت قرار نمی‌دهد.

توضیح

رحم، عطوفت و مهربانی از صفات الهی به شمار می‌روند. خداوند بنده‌ای را که به هم‌نوعان خود، رحم و عطوفت داشته باشد، دوست می‌دارد و بندگان سخت‌دل و فاقد رحم و شفقت را دوست نمی‌دارد.

در حدیثی دیگر رسول خدا ج می‌فرماید: بر اهل زمین رحم کنید، تا اهل آسمان بر شما رحم نماید. رسول خدا ج حتی در مورد رفتار شفقت‌آمیز با حیوانات توصیه کرده است.

و در حدیثی آمده است که، زنی اهل طاعت و عبادت که با تشنه و گرسنه نگه داشتن گربه‌ای باعث مرگ او شده بود، وارد دوزخ گردید و شخص دیگری به خاطر آب دادن سگ تشنه‌ای، به بهشت راه یافت.

کسانی که به دیگران رحم می‌کنند، پاداش آن‌را، هم در دنیا و هم در آخرت خواهند دید، اما کسانی که بر بندگان خدا ترحم ندارند، نتیجه‌ی کردار خویش را در دنیا قبل از آخرت خواهند یافت و در آخرت نیز خداوند، در حق انسان‌های بی‌رحم وئ فاقد شفقت، کوچک‌ترین ترحمی نخواهد کرد.

حدیث چهل و چهارم

1. عن عبدالله بن عمر رضي الله عنهما عن النبي ج قال: «مَنْ حَمَلَ عَلَيْنَا السِّلاحَ فَلَيْسَ مِنّا» [متفق علیه].

ترجمه: از ابن عمرب روایت است که رسول اکرم ج فرمود: هرکس علیه ما (مسلمان‌ها) اسلحه بدست گیرد، از ما نیست.

توضیح

بدست گرفتن سلاح جز برای جهاد در راه خدا و حفاظت جان و مال خویش و یا برای تمرین، جایز نیست.

رسول خدا ج می‌فرماید: کسانی که علیه مسلمانی، چه برای گرفتن مالش و چه برای ریختن خونش، اسلحه بدست می‌گیرند، از ما نیستند؛ یعنی مسلمان نباید به خود جرأت چنین کاری را بدهد.

امروز متأسفانه برخی که خود را مسلمان می‌دانند، اسلحه بدست گرفته، برای غارت مال برادران مسلمان خویش، گردنه‌ها را می‌گیرند و بدون ترس از خدا به راه‌زنی و خونریزی دست می‌زنند. برخی دیگر نیز در درگیریی‌های فامیلی بدون در نظر گرفتن حق، اقدام به قتل برادر مسلمان خویش ـ که جرمش تنها این است که از فلان فامیل متولد شده است ـ می‌کنند. این‌گونه افراد باید متوجه باشند که رسول خدا ج از آنان اظهار بیزاری نموده و در قیامت عذاب دردناکی در انتظار آنان است.

حدیث چهل و پنجم

1. عن أبي مسعود الانصاریس قال قال رسول الله ج: «مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابومسعود انصاریس می‌گوید: رسول اکرم ج فرمود: کسی که دیگران را به انجام عمل خیر راهنمایی کند به او نیز پاداشی برابر با پاداش انجام‌دهنده آن کار خیر، تعلق خواهد گرفت.

توضیح

خداوند حکیم و مهربان در انتظار اعمال نیک بندگان است؛ هر عمل نیک، خواه کوچک یا بزرگ، نزد الله تعالی پرورش داده شده و بزرگ می‌گردد؛ البته می‌دانیم که کیفیت اعمال نزد خداوند، مطلوب است نه کمیت آنها.

شما اگر توان انفاق، صدقه، جهاد و فراگرفتن علم را ندارید، راحت می‌توانید با راهنمایی و تشویق کردن دیگران، از ثواب این اعمال برخوردار گردید. اگر با تشویق شما کسی به حج رفت، به شما نیز ثواب یک حج کامل می‌رسد و اگر با راهنمایی شما، فردی عالم و دانشمند شد و به نشر قرآن و سنت پرداخت و شاگردانی را تربیت کرد و به جامعه تحویل داد، شما نیز همانند او مستحق اجر و پاداش می‌گردید. به همین سبب امر به معروف و نهی از منکر سر لوحه‌ی همه کارها و شغل انبیاست و خداوند این امت به خاطر آن، از بین سایر امت‌ها برگزیده است.

حدیث چهل و ششم

1. عن ابن عمر رضي الله عنهما قال: قال رسول الله ج: «مَا زَالَ جِبْرِيلُ يُوصِينِى بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُوَرِّثُهُ» [متفق علیه].

ترجمه: از ابن عمرب روایت است که رسول اکرم ج فرمود: جبرئیل÷ همواره مرا در حق همسایه توصیه می‌کرد، تا جایی که گمان بردم حتماً او را شریک میراث قرار خواهد داد.

توضیح

انسان موجودی اجتماعی است که نمی‌تواند تنها زندگی کند، و چاره‌ای جز این‌که در کنار هم‌نوعان خود باشد، ندارد. خداوند در کلام خود، در مورد رعایت حق همسایه‌ بارها سخن به میان آورده است. رسول خدا ج نیز در این مورد تأکید فراوان داشته است.

خشنود بودن همسایه از همسایه خویش، علامت ایمان است. بدترین خیانت، خیانتی است که در حق همسایه انجام گیرد. رسول خدا ج از زیستن در کنار همسایه بد، بر حذر داشته اشت. هم‌چنین فرموده است: هرگز کسی که با شکم سیر می‌خوابد و همسایه‌اش شب را گرسنه سپری می‌کند، مسلمان گفته نمی‌شود؛ بر همین اساس، رسول خدا ج توصیه می‌نمود که، آب خورش را به خاطر همسایه بیشتر کنند.

و در این حدیث رسول خدا ج می‌فرماید: جبرئیل÷ به قدری نزد من می‌آمد و در مورد حق همسایه تأکید می‌کرد که فکر کردم سرانجام، خداوند همسایه را شریک ارث قرار خواهد داد.

حدیث چهل و هفتم

1. عن عائشة قالت قال رسول الله ج: «الْمُتَشَبِّعُ بِمَا لَمْ يُعْطَ كَلَابِسِ ثَوْبِي زُورٍ» [متفق علیه].

ترجمه: از عایشهل روایت است که رسول اکرم ج فرمود: وانمود کننده به داشتن چیزی که در واقع آن را ندارد، مانند کسی است که لباسی دروغین بر تن کرده است.

توضیح

فریب‌کاری و تزویر از نظر اسلام امر ناپسندیده‌ای است. انسان مسلمان مجاز نیست که وانمود به داشتن چیزی نماید که آن‌را در اختیار ندارد. رسول خدا ج فرمود: کسی که با مسلمانان فریب‌کاری کند از ما نیست.

شاید به همین جهت استفاده از رنگ سیاه برای سر و صورت جایز نیست؛ زیرا چهره اصلی آدمی را می‌پوشاند و او را جوان‌تر از آن چه هست، نشان می‌دهد.

برخی سعی می‌کنند خود را ثروتمند یا دانشمند و ... جلوه دهند، حال آن‌که در واقع این‌گونه نیستند. این کار از نظر شرع نوعی فریب‌کاری محسوب می‌شود؛ البته از بندگان فقیری که تن به ذلت نمی‌دهند و با آن‌که نیازمند می‌باشند، دست تکدی پیش این و آن دراز نمی‌کنند، ستوده شده است؛ ولی نباید انسان ادعای چیزی را که ندارد، چه در امور مادی و چه در امور معنوی بنماید. کسی که چنین کند به مثابه شخصی است که لباس فاخرانۀ دیگران را به تن کرده و طوری در انظار مردم وانمود می‌کند که گویی این لباس از آن او است.

حدیث چهل و هشتم

1. عن أبي هريرۀس قال: قال رسول الله ج: «إنَّ اللهَ لا يَنْظُرُ إِلَى أجْسَادِكُمْ، وَلا إِلَى صُوَرِكُمْ، وَلكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وأعْمَالِكُمْ» [صحیح مسلم].

ترجمه: از ابوهریرهس روایت است که رسول اکرم ج فرمود: خداوند به جسم‌ها و قیافه‌های شما نمی‌نگرد؛ بلکه به دل‌های شما نگاه می‌کند.

توضیح

رسول خدا ج در جایی دیگر فرموده است: در وجود آدمی، قطعه گوشتی است که اگر پاک و سالم باشد، تمام وجود انسان پاک و سالم می‌گردد و اگر ناپاک و فاسد شود، تمام وجود، ناپاک و فاسد می‌گردد و آن قطعه گوشت، قلب انسان است.

خداوند می‌فرماید: «روز قیامت نه مال و نه فرزندان برای انسان سودی نخواهند داشت، بلکه در آن روز آن کسی نجات خواهد یافت که قلبی سالم با خود بیاورد». قلبی که تهی از شرک، بدعت، کینه و حسادت باشد.

خداوند، انسان را با قلبی پاک و شفاف به دنیا فرستاده است و سرانجام برای ورود به بهشت نیز قلب پاک و شفاف می‌خواهد. و اگر کسی در دنیا آئینه‌ی قلب خویش را با گناه و معصیت آلوده است، باید قبل از مرگ آن‌را با توبه و استغفار صیقل دهد، در غیر این‌صورت آتش دوزخ آن‌را صیقل خواهد داد.

حدیث چهل و نهم

1. عن أبي موسيس عن النبي ج قال: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا- وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ» [متفق علیه].

ترجمه: ابو موسی اشعریس می‌گوید: رسول اکرم ج فرمود: مثال مؤمنان با یکدیگر مانند ساختمانی است که هر جزئی از آن توسط اجزای دیگر نگهداری می‌شود، سپس ایشان انگشتان دستانش را در هم فرو برد.

توضیح

از حسن بن علیل منقول است که فرمود: «الحياة عقيدة وجهاد»، «زندگی یعنی عقیده و جهاد.»

انسان‌ها را عقیده و آرمان گرد هم می‌آورد، نه هر چیزی. ایمان پیوند محکم و ناگسستنی است که انسان‌ها را از قبایل و رنگ‌ها و لهجه‌های مختلف با هم مرتبط می‌سازد، و هیچ پیوند دیگری کارایی پیوند ایمانی را ندارد.

رسول خدا ج افراد مختلف جامعه اسلامی را به ساختمانی محکم تشبیه نموده که از خشت‌های متفرق ساخته شده است و هر یک از آن خشت‌ها با پیوند به یکدیگر باعث استحکام ساختمان شده‌اند.

حدیث پنجاهم

1. عن أبي هريرةس قال: قال رسول الله ج: «بَدَأَ الْإِسْلَام غَرِيبا وَسَيَعُودُ غَرِيبا كَمَا بَدَأَ ،فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ» [صحیح مسلم].

ترجمه: ابوهریرهس می‌گوید، رسول اکرم ج فرمود: اسلام در ابتدا غریب و بیگانه بود و در آخر نیز به همان صورت نخست غریب خواهد شد، پس مژده باد غربا را.

توضیح

روزگاری که کفر و جهالت جهان را فراگرفته بود و ظلم بیداد می‌کرد و خدای یگانه به فراموشی سپرده شده بود و در خانه‌ی مخصوص الله (کعبه) بت‌های بی‌شمار پرستش می‌شد، شخصی از تبار قریش به نام محمدبن عبدالله ج از میان سنگلاخ‌های مکه سر برآورد و فریاد زد:«قُولُوا:لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ تُفْلِحُوا»، «ای قوم من! لا اله الا الله بگویید تا رستگار شوید.» قوم به جای شنیدن و پذیرفتن، او را به باد مسخره گرفتند و ساحر و شاعر لقبش دادند و تهدیدش نمودند؛ اما پیامبر اکرم ج نترسید و سست نشد و دست از دعوت خویش بر نداشت، بلکه استقامت ورزید و مشقت‌ها را با جان و دل پذیرفت.

سرانجام، جهان به تدریج در مقابل او سر تسلیم فرو آورد و آن مرد غریب با دین غریبش دنیا را در دست گرفت.

عرب و عجم تسلیم دین او شدند و اصحابش روم را به تصرف خویش درآوردندو پوزه امپریالیسم ایران را به خاک مالیدند و بر ویرانه‌هایش کاخ رفیع یکتاپرستی و عدالت بنا نهادند.

در حدیث فوق رسول اکرم ج پیش‌بینی می‌کند که روزگاری فرا خواهد رسید که دین به همان شکل اولیه، غریب و بی‌کس می‌شود و فقط عده‌ای غربا کار نشر و احیای دین را به عهده خواهند داشت. در حدیثی دیگر فرمود: غربا کسانی هستند که آن‌چه را دیگران از سنت من تحریف نموده‌اند، اصلاح می‌نمایند. قطعاً امروز غربا کسانی هستند که حاملان و داعیان توحید و سنت صحیح رسول الله ج می‌باشند و از هر سو مورد ظلم و تعرض قرار می‌گیرند.